

تماشاخانه

درباره نمایش «سالگشتگی» کار تازه کوهستانی

بندبازی بین نمایش و زندگی



هوشنگ کلمکانی

● سالگشتگی که چندی‌ست بر صحنه تالار شمس آمده، عملاً خلق نمایشی جذاب از هیچ است، متکی بر ایده‌ای خلاقانه و بسیار ظریف و هنرمندانه بر اساس نمایشی دیگر از امیررضا کوهستانی- «رقص روی لیوان‌ها»- که ۱۲سال پیش آن را در تالار مولوی اجرا کرده بود و متأسفانه آن را ندیدم. مثلاً نسخه تصویری ضبط‌شده آن نمایش با تکنولوژی آن زمان باقی مانده که یا صدا ندارد یا کیفیت صدایش خوب نیست و حالا بازیگران/ شخصیت‌های آن نمایش به دعوت کارگردان آمده‌اند تا با دوبله، صدایشان را روی تصویر آن اجرا بگذارند. تصویرهای «کراپ»‌شده هر بازیگر از اجرای نمایش قبلی روی صفحه‌هایی عمودی بر بالای سر هر یک از بازیگران نمایش فعلی روبه‌روی تماشاگر دیده می‌شود که درواقع همان تصویرهایی است که بازیگران در برابر خود در استودیو می‌بینند تا به‌اصطلاح «لیپ‌سینک» حرف بزنند.

دو بازیگر گاهی خارج از آن نمایش- مثلاً در واقعیت- با هم حرف می‌زنند و حرف‌هایشان یادآور شخصیت‌های همان نمایش قبلی است. این ترکیبی هوشمندانه و چندبعدی و زیبا از آمیختن زندگی و نمایش است. در حالی که اجرای نمایش «رقص روی لیوان‌ها» را (که درواقع و طبعاً تازه برای این اجرا با بازیگرانی دیگر- عبد آست و بهدخت ولیان به‌جای علی معینی و شراره منصورآبادی- ضبط‌شده) روی مونیتورهای عمودی می‌بینیم، در جست‌وجوی رد و نشان و شباهتی هستیم تا آدم‌های ۱۲سال پیش را به دو بازیگری که حالا روی صحنه می‌بینیم متصل کنیم. گاهی هست و گاهی نیست. گاهی



پیدا می‌کنیم و گاهی پیدا نمی‌کنیم. بعد که حتی خود را قطع می‌کنیم که این یک نمایش است، بر فرض که اینها همان بازیگران ۱۲سال پیش در زمان حال هستند، چرا خارج از نمایش و در «واقعیت» پیش از شروع دوبله و در لابه‌لای آن هم دارند همان زندگی شخصیت‌های «رقص روی لیوان‌ها» را ادامه می‌دهند؟ اینها بازیگران آن نمایش بودند یا خود آن شخصیت‌ها؟

ایمن بازی تداخل نمایش و زندگی تا پایان ادامه دارد. در لابه‌لای ضبط دیالوگ‌های نمایش قبلی، زن و مرد ۱۲ساله را که پس از اجرای آن «نمایش» بر آنها گذشته با متلک و کنایه و پرسش و اعتراض و اظهار نفرت و مهر و دل‌تنگی و حسرت و حسادت و دریغ و دیگر احساسات انسانی مرور می‌کنند. پیداست که از هم جدا شده‌اند اما همچنان کنج‌کاو یا نگران یا بر فکر همدیگر هستند اما بیشتر بغض و نفرت و بی‌اعتنایی (یا نمایش اینها) را‌نثار هم می‌کنند. از این حرف‌های متلاً «واقعی»/ «غیرنمایشی» در ترکیب با دیالوگ‌های «نمایش» درمی‌یابیم که بحران رابطه‌ای که در نمایش «رقص روی لیوان‌ها» وجود داشته نه‌تنها کاهش نیافته بلکه در سال‌های بعد عمیق‌تر هم شده. کار به جدایی کشیده و رابطه‌ای ظاهراً عاشقانه در سال‌های دور، حالا به زخمی کهنه تبدیل شده که هنوز دردناک است و به نظر نمی‌رسد که تفاهمی را هم در چنین رابطه‌ای بتوان انتظار داشت.

خوشبختانه نگاه کوهستانی به شخصیت‌ها و موضوع اصلاً جانبدارانه و عقده‌گشایانه نیست و مشکل گنسستگی ارتباط‌های انسانی در دنیای مدرن را به شیوه هنرمندانه خودش روایت می‌کند؛ مسأله‌ای که دغدغه بسیاری از هنرمندان دوران مدرن است. در سینما (که نمایش کوهستانی آشکارا وامدار آن است) آنتونیونی مظهر این نوع نگاه به گسست ارتباط‌هاست و در تئاتر این‌روزهای خودمان بهاره رهنما هم در قصه‌ها و نمایش‌های به شیوای دیگر، با انصاف و تعادل به این موضوع می‌پردازد. کار تکان‌دهنده کوهستانی استفاده از عناصر سینمایی برای توصیف این رابطه و تاکید بر نگاه بی‌طرفانه‌اش است. تداخل دیالوگ‌های نمایش با حرف‌های شخصیت‌ها در اتاق صداپردازی، ناسینک‌بودن گامبه‌گاه عمدی دیالوگ‌های گذشته در استودیو با حرکت لب‌های بازیگران نمایش «رقص روی لیوان‌ها»، جابه‌جایی گویندگان دیالوگ‌ها هنگام ضبط (در دقایقی مرد دیالوگ‌های زن را می‌گوید و برعکس) و ظرفی‌کاری‌های مشابه دیگر که برای درک و دریافت همه آنها نیاز به تماشای چندباره نمایش است تأکیدی دیگر بر بحرانی است که نمی‌توان هیچ‌یک از طرفین را مقصر ایجاد و تشدیدش دانست و این نمایشی است که تماشاگر کنج‌کاو را به تماشای مجددش دعوت می‌کند.

امیررضا کوهستانی در حالی که هنوز خیلی جوان است تبدیل به یکی از وزنه‌های تئاتر امروز ایران شده است؛ فارغ از ادا و انتزاع و متن‌ها و اجرای سری‌گچه‌آور و پردافعه.

اهالی سینما و فرهنگ در رونمایی از کتاب رییس سازمان سینمایی

تمجید «ایوبی» از سحر فرهنگ ایران

فرانک آرتا



عکس: شرق

غروب پنجشنبه ۲۸آذر، نشر ثالث میزبان اهالی سینما و فرهنگ بود؛ رخشان بنی‌اعتماد، فرشته طائرپور، رضا میرکریمی، پرویز پرستویی، مینو فرشچی، احمد امینی، لادن طاهری، جهانگیر کوثری، امیراثباتی، کامبیز درمیشخ، توفیق سبحانی، طه مرآتی، محمد رسول‌اف، سیف‌الله صمدیان، رسول صادقی، کامبیز نوروزی، حسام‌الدین آشنا و ناهیدرضا رضایی و... آنها دور هم جمع شدند تا در مراسم رونمایی کتاب «۱۹۷۰روز در شماره شش ژان بارت» نوشته حجت‌الله ایوبی شرکت کنند. حجت‌الله ایوبی در ابتدای این مراسم ضمن تشکر از حضار عنوان کرد: «یکی از نگرانی‌های من از چاپ کتاب این بود که همیشه در کتاب‌های خاطرنویسی، نقش نویسنده بسیار پررنگ است، اما من می‌خواستم هنر و فرهنگ ایران در این کتاب پررنگ باشد نه حجت‌الله ایوبی». رییس سازمان سینمایی کشور سپس با اشاره به اینکه دنیا حاضر است مستعمره فرهنگی ایران باشد، بیان کرد: «همان‌طور که می‌دانید کاخ ورسای در فرانسه متکلی است مقدس و مهم، اما ما توانستیم دوشب برنامه در آن مکان برگزار کنیم. رییس کاخ ورسای به من می‌گفت تو من را سحر می‌کنی و می‌توانی از ما مجوز برنامه بگیری و باعث می‌شود که کشورها به ما انتقاد کنند. اما من فتنم که این سحر من نیست، سحر فرهنگ و هنر ایران است». این مسؤول ارشد سینما در پایان به راه افتادن قطار دیپلماتی فرهنگی در دولت یازدهم اشاره کرد و گفت: «انشاءالله بتوانیم با زبان سینما، ایران را به دنیا معرفی کنیم». در ادامه این مراسم، فرشته طائرپور گفت: «زمانی که آقای ایوبی به ریاست سازمان سینمایی منصوب شد، خیلی‌ها او را نمی‌شناختند.

بزرگمهر حسین‌پور پس از طراحی چهره ۵۰۰ بازدیدکننده:

چشمان ایرانی‌ها زیباست

سحر آزاد



عکس: علی‌زارع

نمایشگاه اخیر بزرگمهر حسین‌پور یک کیف وارونه بود. رسم معمول این است که آثار هنری وقتی به اتمام رسیده باشند، در گالری‌ها نمایش داده می‌شوند اما حسین‌پور این‌بار برخلاف روال عادای بوم سفید خود را بعد از یک هفته برپایی نمایشگاه، تکمیل کرد. نمایشگاه بزرگمهر حسین‌پور از جمعه، ۲۲آذر تنها با یک بوم آغاز شد و جمعه، ۲۹آذر نیز پس از یک‌هفته با همان یک اثر به پایان رسید. این تابلو که «هفتاد و هفتاد» نام داشت، ۵/۲ در ۵/۱سانتیمتر اندازه داشت و با طراحی از چهره بیش از ۵۰۰بازدیدکننده در زمان برپایی نمایشگاه شکل گرفت. حسین‌پور درمورد جزئیات اجرای این اثر به «شرق» گفت: «ایده این کار خیلی اتفاقی به ذهنم رسید. من چهره افراد زیادی را کشیده‌ام اما این‌دفعه به این موضوع فکر کردم که اگر تمام چهره‌ها روی یک بوم کشیده شوند، چه اتفاقی روی می‌دهد. البته باید این مسأله را هم در نظر گرفت که مفهوم اثر حین اجرا نمایان نمی‌شود و زمانی که آخرین چهره کشیده شد، بینندگان با نگاه به تمام چهره‌ها در کنار یکدیگر می‌توانند برداشت خود را از تابلو داشته باشند». او با بیان اینکه از طریق انتشار فراخوان در فضای مجازی از دوستان و علاقه‌مندان به این کار، دعوت کرده است تا در حضور در گالری بخشی از این اجرا شوند، افزود: «طی این یک‌هفته بیش از ۵۰۰فتر به نمایشگاه آمدند که در میان آنها هنرمندان شناخته‌شده‌ای هم بودند». به‌گفته او، داریوش شایگان، اصغر فرهادی، مه‌ران مدیری، هدیه تهرانی، شمس لنگرودی، منیژه حکمت، امید بندگان

و کیوان علیمحمدی، مهدی کرم‌پور، جواد رضویان، امیرمهدی زوله و هادی حیدری از جمله هنرمندانی هستند که چهره آنها نیز روی این بوم کشیده شده است. حسین‌پور همچنین به واکنش بازدیدکنندگان هنگام اجرای این اثر اشاره کرد: «معمولاً آدم‌ها خودشان را از پشت‌سیر یا نیم‌رخ ندیده‌اند و دیدن چهره‌شان در این وضعیت برای خودشان تعجب‌آور است. حالا فرض کنید در یک کاریکاتور قرار است با صورت دفرمه و اغراق‌شده خود مواجه شوند. پس طبیعی است هنگامی که چهره دفرمه‌شان را می‌بینند، خیلی خوشحال نشوند چون با ضعف‌هایشان روبه‌رو می‌شوند و تصویری را که از خودشان دارند، شکسته و شوکه می‌شوند». این کاریکاتوریست در این مورد به ذکر مثالی پرداخت: «بیشتر خانم‌هایی که چهره‌شان را می‌کشیدم ناراحت می‌شدند و حتی یکی، دو نفر از آنها گریه کردند چون در این طرح‌ها، ضعف‌ها و ایرادهای صورت‌شان بزرگ‌تر نشان داده می‌شد و برایشان خوشایند نبود». حسین‌پور در ادامه گفت که در این اجرا به دو نکته دیگر هم پی برده است: «در این یک هفته بیش از ۵۰۰چهره کشیدم و برایم بسیار جالب بود که متوجه شدم ایرانی‌ها چانه و بینی‌های زیبایی ندارند اما در مقابل دارای چشم‌ها و لب‌های بسیار قشنگی هستند». تابلو «هفتاد و هفتاد» بزرگمهر حسین‌پور عصر روز گذشته، ۲۹آذر پس از یک هفته اجرا در گالری «راه ابریشم» رونمایی شد و کسانی که چهره آنها در این تابلو کشیده شده بود، با حضور در این مراسم، حاشیه آن را امضا کردند.

خبر ویژه



هوشمند ورعی ۱۵پلان سکانس را در ۳ساعت کارگردانی کرد

رسانده تا هم‌اکنون «افق، عمودی است» جهت شرکت در فستیوال‌های داخلی و خارجی آماده شود. از دیگر عوامل فیلم می‌توان به بهرنگ دزفولی‌زاده (عکاس)، اسماعیل و عبدالله نیسی (پشتیبانی دوربین)، بهنود بخچالی (موسیقی)، پرویز حسنلو (مدیر تولید) و حمید پیش‌قدم، هیدا ورعی، نیکا خاکپور (گروه کارگردانی) اشاره کرد. پس از پایان‌یافتن «افق، عمودی است»، هوشمند ورعی مرحله پیش‌تولید دومین فیلم سینمایی خود را تحت‌عنوان «باران موش» آغاز کرده است.

فیلم جدید هوشمند ورعی با تالیف بازیگران حرفه‌ای سینما و تعدادی دیگر از هنرچویان ممتاز موج نو کلید خورده و قسمتی از لوکیشن‌های فیلمبرداری نیز در کشور آلمان، شهر «برمن» تعیین شده است. پیش‌تولید «باران موش» هم‌اینک در مرحله مذاکره با بازیگران حرفه‌ای سینما قرار داشته و تهیه‌کنندگی و سرمایه‌گذاری این فیلم به طور مشترک برعهده آموزشگاه آزاد سینمایی موج و نو و یکی از شرکت‌های تولید لوازم صوتی تصویری است.



اولین فیلم بلند سینمایی هوشمند ورعی با نام «افق، عمودی است» به مدت زمان سه ساعت در ۱۵پلان سکانس آماده نمایش شد. «افق، عمودی است» به تهیه‌کنندگی مشترک آموزشگاه آزاد سینمایی موج نو، دکتر هوشنگ ورعی، لطیفه عین‌جعفری و با مدیریت فیلمبرداری محمدرضا سکوت و صداپردازی حسن زاهدی و مهدی ابراهیم‌زاده تهیه و تولید شد.

کارمان سحرخیز، امیر سحرخیز و فرهاد قدسی، جلوه‌های ویژه و اتالوناز فیلم را در استودیو روشنا تکمیل کرده و حسین ابوالصدق نیز در استودیو تک‌فیلم پارس به سرپرستی محمود سماک‌باشی، امور صداگذاری و میکس نهایی صدای فیلم را به انجام رسانید.

هفت هنرجوی ممتاز آموزشگاه آزاد سینمایی موج نو با نام‌های حمید پیش‌قدم، سعید اصغری، هدا ورعی، صارم جباری‌نیا، هیدا ورعی، نیکا خاکپور و سعید نقی‌او پس از انجام تمرینات سه‌ماهه جهت نقش‌آفرینی در این نمایش ۳۰الی ۴۵ دقیقه‌ای، بازی در فیلم را با موفقیت به پایان



زیر آسمان فیروزهای

اسامی معاونان مرادخان‌ی در معاونت هنری، روی میز

سه‌م پررنگ شهرداری، حوزه هنری و صداوسیما

فرزانه ابراهیم‌زاده

از موسیقیدان بودن چندین سال رییس مرکز موسیقی حوزه هنری بوده؛ مجید ملانوروزی و حسین طاهری برای اهالی اینها مدیرانی هستند که علی مرادخان‌ی می‌گوید ممکن است تا پایان هفته جاری به‌ترتیب در سه مرکز هنرهای تجسمی، تئاتر و موسیقی وزارت ارشاد مستقر شوند؛ مدیران هنرهای نمایشی که اعلام اسمایی‌شان، هدیه معاون هنری به هنرمندان در آستانه طولانی‌ترین شب سال تعبیر می‌شود اعلام این‌نام‌ها بعد از ۱۲۰روز به گمانه‌زنی‌ها درباره اسامی معاونان مرادخان‌ی پایان داد. مرادخان‌ی روز چهارشنبه در حاشیه بازدید از نمایشگاه هنر مقاومت در جمع خبرنگاران از انتخاب حسین طاهری برای ریاست مرکز هنرهای نمایشی و مجید ملانوروزی برای مرکز هنرهای تجسمی خبر داد و گفت: «برای مرکز هنرهای نمایشی و دفتر امور هنرهای تجسمی گزینه‌های دیگری هم هست که در میان آنها حسین طاهری به‌عنوان مدیر مرکز هنرهای نمایشی و مجید ملانوروزی نیز به‌عنوان مدیر دفتر هنرهای تجسمی جزو گزینه‌های تقریباً قطعی است و در چند روز آینده نظر نهایی درباره مدیریت آن دو مرکز رسماً اعلام می‌شود». پیش از این هم برخی منابع نزدیک به معاونت هنری از حضور پیروز ارجمند برای ریاست دفتر موسیقی خبر داده بودند؛ گزینه‌ای که از سوی مرادخان‌ی رد نشده؛ با این‌همه او گفته است: «هنوز حضور هیچ مدیری در این دو مرکز قطعی نشده است زیرا برای انتصاب چنین مدیرانی حتماً باید مشورت کرد و گاهی تأخیر یک روز، دو روز یا ۱۰روز اشکالی ایجاد نمی‌کند بلکه بهتر است صبر کنیم تا افراد بهتر انتخاب شوند». معاونت هنری برخلاف دو معاونت دیگر وزارت ارشاد با حرکت آرام‌تری پیش رفت. در فاصله ۱۲۰روزی که از حضور علی مرادخان‌ی گذشت او هیچ مدیری را تغییر نداد و آنچنان که خودش در گفت‌وگوهای متعدد به آنها اشاره کرد، به بررسی اوضاع و مشورت با اهالی هنر برای انتخاب بهترین مدیران برای زیردست خودش مشغول بود. با این‌همه به‌نظر می‌رسد با توجه به مشورت زیاد و بررسی ۱۲۰روزه انتخاب مدیرانی که کمتر کسی نامشان را شناخته است چالشی بزرگ برای او و مجموعه زیرنظرش وجود خواهد داشت. به‌جز پیروز ارجمند که جدا

رخشان بنی‌اعتماد «عروسک‌های سکوت» را دید

شرق: نمایش «عروسک‌های سکوت» به نویسندگی فرزانه سهیلی و کارگردانی سمانه زندی‌نژاد که این روزها در تالار «سایه» مجموعه تئاتر شهر اجرا می‌شود، میزبان رخشان بنی‌اعتماد، حمید لبخنده، محمد جرمشیر، نغمه ثمنی و سعید اسدی بود. این در حالی است که پیش از این نیز هنرمندانی مانند حمید پورآذری، علی‌اصغر دشتی، سجاد افشاریان، مسعود فروتن، نیما دهقان، رحمان سیفی‌زاد،

مهرداد رایانی مخصوص، الهام کردا، ستاره اسکندری، مونا زندی، علیرضا شجاع‌نوری، رضا گوران، لاله اسکندری، لادن مستوفی، رویا افشار، رضا درمیشیان، فردوس کولایی، منیژه حامدی و... به تماشای این نمایش نشسته‌اند. این نمایش در ژانر وحشت است و تمرکز نمایش بر مرگ است. این نمایش از ۲۷آبان تا ۳۰آذر هر روز ساعت ۱۹ در تالار سایه مجموعه تئاتر شهر روی صحنه می‌رود.